

صحيفة الحسين عليه السلام

[22] را مسئول اعمال خود معرفی می کردند. یکی از جلوه های برخورد این دو طرز تفکر هنگامی بود که بازماندگان کربلا را وارد کاخ ابن زیاد کردند، او دیداری عمومی ترتیب داد و دستور داد سر امام حسین (علیه السلام) را در برابر او گذارده، آنگاه زنان و کودکان آن حضرت را وارد کاخ نمودند. حضرت زینب درحالیکه کم ارزشترین لباسهای خود را به تن داشت و زنان و کنیزان اطراف او را گفته بودند بصورت ناشناسی وارد شد و بی اعتنا در گوشه ای نشست، ابن زیاد چشمش به او افتاد و پرسید: این زن که خود را کنار کشیده و دیگر زنان گرداگرد او هستند، کیست؟ حضرت زینب پاسخی نگفت؛ ابن زیاد سؤالش را تکرار کرد، یکی از کنیزان آن حضرت را معرفی کرد، ابن زیاد رو به ایشان کرد و گفت: سپاس خدای را که شما را رسوا گردانید و کشت و دروغهایتان را آشکار ساخت. حضرت زینب پاسخ داد: سپاس خدای را که بواسطه پیامبرش ما را گرامی داشت و از پلیدی پاک گردانید، تنها فاسق رسوا شده و بدکاره دروغ می گوید، الحمد لله که ما اینگونه نیستیم و دیگران اینگونه می باشند. ابن زیاد گفت: دیدی خداوند با خاندانت چه کرد؟ آن حضرت گفت: جز زیبایی ندیدم، آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود کشته شوند و آنها هم مردانه به خوابگاه خود رفتند و بزودی خداوند تو و آنان را در روز قیامت روبرو می کند و از تو بدرگاه خدا شکایت و دادخواهی می کنند، اینک بنگر که آن روز چه کسی پیروز خواهد شد، مادرت به عزایت بنشیند ای پسر

مرجانه.